



نظریه های یادگیری انسان

پردیس شهید رجائی دانشگاه فرهنگیان
نیمسال دوم 98-99



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مدرس: دکتر موسی زاده

□ فصل اول

یادگیری انسان: علم و نظریه

هدفهای این فصل:

- منظور از اصطلاح یادگیری چیست؟
- نظریه های روان شناختی چیستند؟
- نظریه ها چگونه ساخته می شوند؟
- چگونه می توان نظریه ها را ارزیابی کرد؟
- در روانشناسی، چه روشهایی برای گردآوری اطلاعات وجود دارد؟
- این روشها چه امتیازات و چه ضعف هایی دارند؟

علمی است که رفتار و تفکر انسان را بررسی می کند.

به نحوه ای که تجربه بر فکر و عمل تأثیر می گذارد، می پردازد؛

نقش زیست شناسی و وراثت را کاوش می کند؛

هشیاری و رؤیاها را بررسی می کند؛

نحوه رشد کردن انسانها از نوباوگی تا بزرگسالی

را ردیابی می کند؛

در باره تأثیرات اجتماعی تحقیق می کند.

اصولا روانشناسی سعی دارد توضیح دهد چرا

انسانها به این صورت فکر، عمل و احساس

یادگیری:

- فراگیری اطلاعات
 - تغییر رفتار در نتیجه تجربه
 - نه هر تغییری (مانند خستگی یا داروها، یا تغییرات زیستی مانند رشد جسمانی یا رسش جنسی، یا آسیب و بیماری).
- تعریف:** تغییرات نسبتاً دائمی در پتانسیل رفتار که از تجربه ناشی می شوند.
- یادگیری چیزی است که برای ارگانیزم (انسان و حیوان) در نتیجه تجربه، اتفاق می افتد. تغییرات رفتاری صرفاً نشان می دهند که یادگیری روی داده است.

تجربه

تماس گرفتن
با، مشارکت کردن
در، مواجه شدن با
رویدادهای بیرونی یا
درونی که ارگانیزم
نسبت به آنها حساس
است.

یادگیری

تغییرات نسبتاً دائمی
در پتانسیل رفتار که از
ولی به علت خستگی
،رسش، داروها، آسیب
یا بیماری نیستند. تجربه
ناشی می شوند.

تغییر رفتار

تغییرات واقعی یا بالقوه
قابل مشاهده بعد از
تجربه که شواهدی در
اختیار ما بگذارد که
یادگیری رخ داده است.

*** یادگیری به خودی خود، فرایندی عصب
شناختی، نادیدنی و درونی است.**

عملکرد در برابر یادگیری:

- این تعریف به جای تغییرات در رفتار به تغییرات در پتانسیل رفتار، اشاره دارد. چرا؟
- زیرا آثار دائمی تجربه همیشه آشکار نیستند.
- مثال آزمایش بوکستون (1940): موش ها در درون مازهای شروع در ابتدا و مازهای هدف در انتها (بدون غذا، با غذا).
- یادگیری نهفته، آمادگی. یعنی یادگیری علاوه بر توانایی انجام دادن کاری- تغییرات در آمادگی یعنی رغبت عمل کردن را نیز شامل می شود.

- رفتار چیز پیچیده ای است و عوامل زیادی در تعیین کاری که انجام می دهید، دخالت دارند.
تکلیف اساسی روان شناسی یادگیری ، **فهمیدن رفتار** است. و از فهمیدن ، توانایی **پیش بینی کردن** و گاهی کنترل کردن حاصل می شود که هر دو وظایف مفید و مهمی هستند.

* **برای مثال**؛ پیش بینی معلمان در باره اینکه دانش آموزان تا چه اندازه ای خوب عمل می کنند، برای تصمیمات مربوط به **تدریس و ارزیابی**، حیاتی است.

* به قول استاگنر (1988) انسانها دوست دارند

نظریه ها ، اصول ، قوانین و عقاید:

- **نظریه علمی** مجموعه ای از اظهارات مرتبط است که وظیفه اصلی آنها **خلاصه کردن و توضیح دادن مشاهدات** است. به عبارت دیگر نظریه پردازی چیزی است شبیه این: نظریه پردازان با فرضهای خاصی در باره رفتار انسان شروع می کنند که این فرضها تا اندازه ای براساس مشاهداتشان از نظم و پیش بینی پذیری رفتار استوار هستند.

- **فرضیه ها؛** حدس هایی هستند که درستی آنها اثبات نشده است.

- **اصول؛** احکامی هستند که به پیش بینی پذیری هایی در طبیعت، یا در مورد روان شناسی به رفتار مربوط می شوند. مثلاً اصول یادگیری عوامل خاصی را شرح می دهند که بر یادگیری و یادآوری تأثیر می گذارند.

- **قوانین**، احکامی هستند که نمی توان در مورد آنها تردید کرد. آنها نتیجه گیریهایی هستند که برپایه مشاهدات انکارناپذیر و منطق غیر قابل رد قرار دارند. قوانین برخلاف اصول، معمولاً جای تردید یا مخالفت ندارند. قوانین را نباید با واقعیت قاطی کرد.

- قوانین در صورت وجود شواهد مخالف، هر قانونی را می توان رد کرد. ولی واقعیت را هرگز نمی توان خلاف واقع دانست.

- **عقاید**، احکامی هستند که خصوصی تر و شخصی تر از اصول یا قوانین هستند. برای **مثال**، این عقیده که افراد سرخ مو از افراد سیه مو برای خشم مستعدتر هستند، یک عقیده است نه اصل یا قانون.

- عقاید مانند اصول و قوانین سعی ندارند واقعیت عمومی را شرح دهند.

روان شناسی مادر بزرگ و عقاید عامیانه

- از آنجایی که افراد به خودشان و به رفتار دیگران علاقه دارند، جوامع در باره رفتار انسان عقایدی را پرورش داده اند که عموماً به آنها معتقدند. این عقاید بخشی از آن چیزی هستند که کلی (1992) **روان شناسی مادر بزرگ** می نامد.

- این اصطلاح برنوع شهودی روان شناسی عامیانه دلالت دارد که روان شناسی **کورکورانه** یا **ساده لوحانه** نیز نامیده می شود.

- عقاید روان شناسی عامیانه اغلب درست هستند. خیلی وقتها این عقاید عامیانه کاملاً یا حداقل تا اندازه ای غلط هستند

اهداف نظریه ها:

- ساده کردن و سازمان دادن مشاهدات است.
- برای پیش بینی کردن مفید است.
- برای مثال؛ مادر بزرگ من نظریه دارد که روابط بین
کودهای شیمیایی و رشد گیاهان گوناگون را شرح می
دهد.

ویژگیهای نظریه های خوب:

- حقایق مهم (یعنی مشاهدات) را خلاصه و سازماندهی
کند.
- باید روشن و قابل درک باشد.
- باید ساده کند، باید در صورت وجود پیچیدگی و بی
نظمی، نظم برقرار کند.
- برای پیش بینی کردن و توضیح دادن مفید باشد.



- پیش بینی ها و توضیحات مبتنی بر نظریه باید
مقداری فایده داشته باشد، تا اندازه ای در دنیای
واقعی، مثلاً در آموزش و پرورش یا در درمان،
کاربرد داشته باشد و یا به گسترش نظریه کمک
کنند.

- نظریه باید از نظر درونی، همسان باشد نه
متناقض.

- نظریه ها نباید بر اساس تعداد زیادی فرض
استوار باشند. چون به سختی می توان ارزیابی
کرد.

- نه تنها باید تبیین های رضایت بخش در اختیار
بگذارد، بلکه باید تفکر برانگیز هم باشد.

علم و پیدایی نظریه های روان شناختی:

- یکی از وظایف مهم روان شناسی این است که مشخص کند چه چیزی معقول است، یعنی واقعیت را از خیال جدا کند.

چگونه روان شناسی می تواند مشخص کند که یک عقیده درست است؟

پاسخ این سؤال آسان است. **علم**.

علم چیست؟

مجموعه اطلاعات و شیوه پرداختن به آنها یا به دست آوردن آنها. محتوای رشته هایی مانند شیمی، فیزیک، ستاره شناسی و روان شناسی، علم را به صورت مجموعه اطلاعات روشن می کند.

قواعد روش علمی:

- بهترین راه برای در نظر گرفتن معنی اصطلاح علم این است که آن را **یک نگرش** بدانیم نه صرفاً یکی از چند مجموعه دانش یا یک رشته توصیه ها برای فراگیری و منظم کردن دانش.
- **روش علمی را می توان برپایه پنج قاعده ساده کرد:**

- 1- مطرح کردن سؤال
- 2- ساختن فرضیه
- 3- گردآوری یافته های مربوط
- 4- آزمودن فرضیه
- 5- رسیدن به نتیجه گیری و تقسیم آن.

آزمایشها:

- قوی ترین وسیله علم برای تعیین اعتبار فرضیه ها، **آزمایش** است. (انواع متغیر در آزمایش).
برای مثال؛ این فرضیه: پاداشهایی که برای یادگیری فعلی داده می شوند، بر یادگیری بعدی تأثیر مثبتی دارند.

نمونه گیری و گروههای مقایسه:

- انتخاب کردن شرکت کنندگان برای آزمایش.
- بعد از انتخاب نمونه آنها را در گروه های آزمایشی یا گواه می گمارند.

تفکر نقادانه در باره پژوهش روان شناختی:

سؤال هایی که هنگام پژوهش باید از خود پرسید:

- آیا مرتکب خطای اسمی شده ام؟
- آیا نمونه بیانگر است؟
- آیا به آزمودنیها می توان اطمینان کرد؟
- آیا احتمال سوگیری آزمودنی وجود دارد؟
- آیا احتمال سوگیری پژوهشگر وجود دارد؟

- 
- آزمودنیهای انسان و حیوان
 - اصول اخلاقی پژوهش حیوانی
 - انسانها به عنوان آزمودنی
 - نظریه های یادگیری (یادگیری، رفتار)
 - ریشه های نظریه یادگیری (غرایز و هیجان)
 - طبقه بندی نظریه یادگیری (رفتارگرا، زیست گرا، شناخت گرا)